

دوتا ۳۶۲	عهد عتیق / ۳۳
	انبیای کوچک: عاموس، یونس، هوشع
S = معلم ۲ (تدریس توسط معلم ۲)	

(S) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. امروز به بررسی کتاب‌های انبیای به اصطلاح کوچک، طبق ترتیب زمانی‌شان خواهیم پرداخت، یعنی کتاب‌های عاموس و یونس و هوشع. ایشان با یکدیگر هم‌دوره بودند و کلام خدا را در سده هشتم قبل از میلاد، در حکومت شمالی اسرائیل، در اوج قدرت و رونقش اعلام می‌کردند.

کتاب عاموس

نکته ۱- نویسنده، مخاطبین، و تاریخ نگارش کتاب

عاموس سومین نبی از دوازده نبی اصطلاحاً کوچک است. گرچه او چوپانی بود که در جنوب اورشلیم زندگی می‌کرد، اما خدا او را فرا خواند تا در حکومت شمالی اسرائیل نبی باشد. او کلام خدا را به کشوری دیگر با فرهنگی متفاوت اعلام می‌داشت. این وظیفه ساده‌ای نبود، زیرا عاموس در مرکز اصلی مذهب در حکومت شمالی اسرائیل، یعنی در بیت‌ئیل زندگی و نبوت می‌کرد. گرچه بیت‌ئیل همان محلی بود که خدا در آن بر یعقوب، نیای قوم اسرائیل ظاهر شد (پیدایش ۲۸)، اما اولین پادشاه حکومت شمالی اسرائیل عبادت خدا را به شکل تمثال یک گاو در بیت‌ئیل برقرار کرده بود تا به این وسیله مانع شود که مردمش به حکومت جنوبی، یعنی یهودا بروند و خدا را در معبد اورشلیم عبادت کنند. بدینسان، مردم حکومت شمالی اسرائیل بتی را می‌پرستیدند و قربانگاہی بت‌پرستانه، معبدی بت‌پرستانه، کاهنانی بت‌پرست، و قربانی‌های بت‌پرستانه داشتند. عاموس کلام خدا را درست در قلب این مرکز مذهبی بت‌پرستانه نبوت می‌کرد. کاهن دروغین بیت‌ئیل حتی عاموس را به توطئه‌چینی متهم ساخت تا او را از سر راه بر دارد، اما عاموس با دلیری، ویرانی نهایی پادشاه و کاهن دروغین را نبوت کرد. عاموس در طول سلطنت پربعام دوم، پادشاه اسرائیل، و عزیا، پادشاه یهودا، در اوج قدرت هر دو حکومت نبوت می‌کرد. نبوت او بین سالهای ۷۸۸ تا ۷۳۷ قبل از میلاد بود.

نکته ۲- پیام اصلی کتاب عاموس

اول- عاموس داوری خدا را بر ملت‌ها و اسرائیل نبوت کرد.

کانون اصلی نبوت او این بود که خدا مطابق معیار اخلاقی دقیقی با ملت‌ها عمل خواهد کرد، یعنی اینکه آنها را به‌خاطر خطاهایشان مجازات خواهد نمود. عبارت کلیدی در دو فصل اول این است: "برای سه گناه یک ملت، یا حتی برای چهار گناه." عاموس نخست ملت‌های اطراف اسرائیل را محکوم می‌کرد و اعلام می‌داشت که خدا بزودی دشمنی را به‌سوی آنان خواهد فرستاد، و به این شکل، توجه مخاطبین را به خود جلب می‌کرد. او با کشورهای دوردست‌تر آغاز کرد و به‌تدریج به اسرائیل نزدیک شد تا اینکه خود اسرائیل را نیز محکوم کرد و داوری قریب‌الوقوع آن را اعلام داشت. در عاموس ۴: ۲ چنین آمده: "زمانی می‌رسد که قلاب به دهانتان انداخته، همه شما را مانند ماهی خواهند کشید و با خود خواهند برد." او پیشگویی کرد که اسرائیل به آن سوی دمشق تبعید خواهد شد. حدود ۲۲ سال بعد از سلطنت پربعام دوم، این نبوت دقیقاً تحقق یافت و حکومت شمالی اسرائیل به آشور به تبعید رفت.

دوم- عاموس بر علیه بی‌عدالتی‌های اجتماعی نبوت می‌کرد.

عاموس در عهد عتیق همان نکاتی را موعظه می‌کرد که یعقوب در عهد جدید می‌کرد. این دو مرد خدا موعظه می‌کردند که ایمان به خدا بدون عدالت اجتماعی، ایمانی است توخالی. ایمان قوم خدا باید با درستکاری و نیکوکاری، و نفرت از بدکاری ثابت شود. ایمان باید با رعایت عدالت در دادگاهها اثبات شود. او بر علیه مردم عادی نبوت می‌کرد، بر علیه ستم ایشان بر فقیران و نیازمندان (۲: ۶)، بر علیه هرزگی و روسپیگری (۲: ۷)، و بر علیه استفاده نادرست از الکل (۲: ۸). او بر علیه زنانی موعظه می‌کرد که با بی‌رحمی، فقیران و نیازمندان را زیر پا له می‌کردند (۴: ۱). او بر علیه رهبران قدرتمند کشور موعظه می‌کرد که خانه‌ها و کاخهای خود را با غارت فقیران و با غنائم جنگی پر کرده بودند (۳: ۱۰؛ ۵: ۱۱). و بر علیه قاضیان کشور موعظه می‌کرد که از راستگوییان در محکمه‌ها نفرت داشتند (۵: ۱۰) و عدالت را از عادلان دریغ می‌کردند و از بدکاران رشوه می‌گرفتند، و عدالت را از فقیران باز می‌داشتند چرا که اینان قادر به پرداخت رشوه نبودند (۵: ۱۲). او آشکارا قاضیان و داوران کشور را متهم می‌ساخت به اینکه عدالت را به ستم تبدیل کرده‌اند (۶: ۱۲).

سوم- عاموس در باره توبه و نجات آتی خدا نبوت می‌کرد.

در عاموس ۴: ۶-۱۲، خدا می‌فرماید که داوریهای کنونی خود را بر ملت‌ها و بر اسرائیل نازل کرده تا ایشان به‌سوی بازگشت کنند. داوریه‌ها و مجازات‌های الهی صرفاً برای تنبیه ایشان نیست، بلکه به این منظور نیز هست که ایشان را بر انگیزد تا به‌سوی بازگشت نمایند. مردم به‌جای پیروی از بت‌های ابلهانه بیت‌ئیل، می‌بایست از خدای زنده پیروی کنند (۵: ۴-۱۵). اگر چنین کنند، زنده مانده، حیات جاودان خواهند داشت (۵: ۴-۶). خدا انسان را فرا می‌خواند تا طالب نیکویی باشد و از بدی نفرت کند و عدالت را در محکمه‌ها رعایت کند (۵: ۱۴-۱۵). اگر چنین کند، شاید که خدا بر او ترحم بفرماید. عاموس نبوت کرد که خدا قطعاً بر "بازمانده" یا باقیمانده اسرائیل رحمت خواهد فرمود، یعنی بر آنانی که توبه کنند و به‌سوی خدا باز گردند.

نکته ۳ - تقسیم‌بندی کتاب عاموس

به کتاب عاموس می‌توان این عنوان را داد: “داوری و تفقد از اسرائیل”. این کتاب چهار بخش دارد. بخش اول: فصل ۱: ۱ تا ۲: ۱۶. داوری بر ملت‌هایی که مرتکب اعمالی بی‌رحمانه شده‌اند نزدیک است. بخش دوم: فصل ۳: ۱ تا ۶: ۱۴. بنابراین، داوری بر اسرائیل، این ملتی که بسیار مورد لطف بود نیز نزدیک است. فصل سوم حاوی رأی است: امتیازات و مسؤولیت اسرائیل (۲-۳). فقط باقیمانده‌ای نجات خواهد یافت (۱۱-۱۲). فصل ۴، عدالت این رأی را بیان می‌دارد: علی‌رغم داوریه‌های کنونی خدا، اسرائیل به‌سوی خدا بازگشت نکرده است (۶-۱۲). فصل ۵ حاوی دعوتی است به توبه: اسرائیل باید خدا را بطلبد، و در پی نیکویی باشد و عدالت را در محکمه‌ها رعایت کند (۱۴-۱۵). فصل ۶ حاوی مصائبی است که بر ناتوبه‌کاران می‌آید: مردمان مرفه که فکر می‌کنند در امنیت‌اند، پیش از همه به تبعید خواهند رفت (۱ و ۷). بخش سوم: فصل ۷: ۱ تا ۹: ۱۰. رؤیاهایی در مورد داوری تهدیدکننده. بخش چهارم: فصل ۹: ۱۱-۱۵. **وعده در مورد تفقد.**

کتاب یونس

نکته ۱ - نگارنده، مخاطبین، و تاریخ نگارش کتاب

در کتاب مقدس ذکر نشده که کسی که ماجرای یونس را بازگو کرده چه کسی بوده است. این احتمال هست که یونس خودش کتاب را نوشته باشد، زیرا دعایش به ضمیر اول شخص ذکر شده. اما احتمال دارد که شخص دیگری که تحت الهام قرار داشته، آن را نوشته باشد. یونس پنجمین نفر از دوازده نبی به اصطلاح کوچک است. او در شهری در جلیل می‌زیست؛ این بدان معنا است که این گفته فریسیان در یوحنا ۷: ۵۲ که هیچ نبی‌ای هرگز از جلیل بر نخاسته، درست نبوده. یونس رسالت یافت تا کلام خدا را به نینوا اعلام کند. نینوا پایتخت امپراطوری بزرگ آشور بود که در آن زمان شروع کرده بود به توسعه مرزهایش به سمت غرب، تا اینکه نیم قرن بعد از آن، حکومت شمالی اسرائیل را منقرض ساخت (۷۲۱ ق.م). به این ترتیب، یونس نیز مانند عاموس، نبی‌ای بود که به مکان دیگری فرستاده شد. وظیفه‌اش نیز آسان نبود، زیرا می‌بایست پیغام خود را به قدرتمندترین ملت در آن مقطع از تاریخ اعلام کند، به مردمانی با زبان و فرهنگی متفاوت که هیچ شناخت قبلی‌ای از خدای زنده نداشتند. یونس را این رسالت الهی خوش نیامد، شاید به این سبب که می‌ترسید خدا رحمتش را از اسرائیل به آشور معطوف سازد. پس سوار کشتی شد و در جهت مخالف نینوا عزم سفر کرد. اما حتی نبی نیز قادر به گریز از خدای زنده نیست. طوفانی کشتی را در گرفت و یونس پی برد که این امر به این سبب بوده که او از خدا می‌گریخته است. یونس گناه خود را نزد خدا اعتراف کرد و در نهایت از کشتی به دریا افکنده شد تا کشتی از خطر رهایی یابد. ماهی بزرگی او را بلعید. یونس در شکم ماهی دعایی عمیق نزد خدا کرد. سرانجام ماهی او را در کنار ساحل از دهانش بیرون انداخت. یونس فرصت دوباره‌ای یافت و بار دیگر رسالت یافت تا کلام خدا را به نینوا اعلام دارد. این بار یونس اطاعت کرد و موعظه کرد که “طرف چهل روز نینوا واژگون خواهد شد”. مردم نینوا توبه کردند. اما یونس انتظار چنین چیزی را نداشت و توبه ایشان عمیقاً او را پریشان ساخت. او بسیار برافروخته شد زیرا در دل خود امید داشت که ایشان توبه نکنند و در نتیجه آن، از میان بروند. یونس سایبانی بیرون شهر ساخت و زیر آن نشست و منتظر شد تا ببیند چه اتفاقی می‌افتد (۴: ۵). خدا درخت موئی را رویاند تا بر یونس سایه بيفکند. یونس از این امر شاد شد. اما بعد خدا کرمی فرستاد تا درخت مو را از میان ببرد. این امر یونس را بسیار خشمگین ساخت. این نشان داد که یونس چقدر در رفتار خود تناقض داشت و چقدر خودخواه بود. او خشمگین بود از اینکه خدا نینوا را نابود نکرده بود، اما درخت مو را نابود کرده بود. خدا یونس را توبیخ کرد زیرا او به درخت مو بیشتر توجه نشان داده بود تا به شهری که ۱۲۰ هزار نفر جمعیت داشت. کتاب یونس افسانه و اسطوره نیست، و نه یک تمثیل. آنچه در کتاب نوشته شده، واقعاً اتفاق افتاد. معجزاتی نظیر بلعیده شدن توسط ماهی بزرگ و قی شدن، به “تاریخ” تعلق دارد، نه به تمثیل و کنایه. خداوند عیسی مسیح خودش در متی ۱۲: ۳۹-۴۰ تعلیم فرمود که یونس شخصیتی تاریخی است و آنچه بر او گذشت، یک ماجرای تاریخی بوده است. در دوم پادشاهان ۱۴: ۲۵ آمده که یونس درست در طول سلطنت یربعام دوم می‌زیسته و نبوت می‌کرده است، یعنی در طول سالهای ۷۸۳ تا ۷۴۳ قبل از میلاد.

نکته ۲ - پیامهای اصلی کتاب یونس

اول- رحمت خدا محدود به یک ملت، یعنی اسرائیل نیست. نه فقط عهدجدید، بلکه عهدعتیق نیز تعلیم می‌دهد که خدا به همه ملت‌هایی که خلق کرده، توجه دارد. در پیدایش ۱۲: ۳ خدا از همان زمان وعده داده بود که از یکی از اعیان ابراهیم، تمامی ملت‌های جهان را برکت خواهد داد. در کتاب یونس می‌بینیم که خدا نسبت به اهالی کشتی و نیز مردم آشور فیض و رحمت دارد. این نکات به مکشوف شدن طرح الهی در عهدجدید اشاره می‌کند.

دوم- قوم خدا وظیفه دارند خدا را به مردم دیگر بشناسانند. خدا یونس را به امپراطوری آشور فرستاد تا ایشان بتوانند خدای زنده را بشناسند. در اول پطرس ۲: ۹-۱۰ آمده که مردمانی که قبلاً به قوم خدا تعلق نداشتند اما اکنون به متعلق به قوم خدایند، باید فضایل خدایی را که ایشان را از تاریکی به نور عجیب خود فرا خوانده، اعلام دارند.

سوم- طرح خدا برای انسان دچار شکست نمی‌شود. طرح نخستین خدا برای یونس این بود که به نینوا برود و پیام خدا را به مردمان آن اعلام کند. یونس ناطاعتی کرد و در تحقق این طرح قصور ورزید. اما مطابق یونس ۳: ۱، خدا طرح دومی برای یونس داشت، یعنی اینکه در هر حال برود و پیام خود را به نینوا اعلام کند. یونس اطاعت کرد و طرح خدا تحقق یافت. خدا برای زندگی ما تنها یک طرح ندارد. اگر در انجام طرح اول خدا برای زندگی‌مان قصور ورزیم، او طرح دومی دارد که

به خوبی طرح اول است. وقتی از ناطاعتی خود در انجام طرح اول توبه می‌کنیم، آنگاه خدا شفقت خواهد کرد و ما را بخشیده، فرصت دیگری عطا خواهد کرد تا او را در طرح دومش خدمت کنیم. به عبارت دیگر، خدای در حاکمیت خود، از وسایلی برخوردار است تا شخص را به مرحله‌ای برساند تا طرح‌های او را تحقق بخشد. از آنجا که خدا بر تمام عالم هستی حاکمیت مطلق دارد، هیچکس و هیچ چیز نمی‌تواند باعث شود او در اجرای طرح‌های خود بر روی زمین دچار شکست شود. خدا در اشعیا ۱۴: ۲۴ و ۲۷ می‌فرماید: “آنچه اراده نموده و تقدیر کرده‌ام، به یقین واقع خواهد شد... بلی، خداوند قادر متعال این را تقدیر کرده است. پس چه کسی می‌تواند آن را باطل کند؟ این دست اوست که دراز شده است، بنابراین چه کسی می‌تواند آن را باز گرداند؟”

چهارم- خدا فیاض است. خدا نسبت به گناهکارانی چون یونس و نسبت به ملت‌های گناهکاری چون آشوریان شکیبیا است و ایشان را به توبه هدایت می‌کند. این امر در نقطه مقابل ناشکیبایی یونس قرار داده می‌شود که مایل بود ببیند که خدا مردمان بدکار را از میان می‌برد. یونس حتی از شکیبایی خدا به خشم آمد. اما شکیبایی خدا تجلی‌ای است از محبت او که می‌خواهد همگان را به توبه هدایت کند. یونس ۲: ۸ می‌فرماید که مردمان که به بتهای بی‌ارزش می‌چسبند، از فیض خدا محروم می‌شوند. اما یونس ۴: ۲ می‌فرماید که مردمانی که به خدای زنده می‌چسبند، هرگز از فیض خدا بی‌بهره نخواهند ماند. فیض الهی ناطاعتی یونس را بخشید و همچنین بت‌پرستی گذشته مردم نینوا را آمرزید. بالینحال، توبه یک نسل متضمن نجات نسل بعدی نیست. خدا مردم متعلق به آن نسل نینوا را بخشید زیرا که توبه کردند. اما حدود صد سال بعد، ناحوم نبی در فصل سوم کتابش ویرانی قریب‌الوقوع نینوا را نبوت کرد زیرا نسل دیگری که در آنجا زندگی می‌کردند مرتکب گناه می‌شدند.

پنجم- یونس خودش نمونه‌ای است از عیسی مسیح. تنها نشانه‌ای که عیسی به فریسیان و علمای ناباور دین یهود ارائه داد، نشانه یونس بود (متی ۱۲: ۳۹-۴۱). همانگونه که یونس پیش از آنکه رهایی یابد، سه روز در شکم ماهی بود، به همان شکل عیسی مسیح نیز پیش از قیامش، سه روز در کام مرگ بسر برد.

نکته ۳- تقسیم‌بندی کتاب یونس

به کتاب یونس می‌توان این عنوان را داد: “محبت خدا در نقطه مقابل خشم یونس.” این کتاب شامل چهار بخش می‌شود:

فصل اول: ناطاعتی یونس از رسالت الهی و عواقب آن.

فصل دوم: دعای یونس از شکم ماهی و رهایی او.

فصل سوم: موعظه یونس خطاب به مردم نینوا و توبه ایشان.

فصل چهارم: شکیبایی و محبت خدا در نقطه مقابل ناشکیبایی و خشم یونس.

کتاب هوشع

نکته ۱- نگارنده، مخاطبین و تاریخ نگارش کتاب

هوشع نخستین کتاب از کتاب‌های انبیای اصطلاحاً کوچک است. هوشع یعنی “نجات”. از آنجا که هوشع، طبق ترجمه قدیمی در مورد ده قبیله شمالی با عنوان “این زمین” سخن می‌گوید (۱: ۲) و پادشاه اسرائیل را “پادشاه ما” می‌خواند (۷: ۵)، به احتمال زیاد او یکی از اهالی حکومت شمالی اسرائیل، در اوج رونق دوره سلطنت پریعام دوم بود. هوشع در حکومت شمالی اسرائیل خدمت کرد و نبوت‌هایش عمدتاً خطاب به مردم آن بود. اما او در مقام نبی خداوند، گاه بر علیه حکومت جنوبی یهودا نیز نبوت می‌کرد (۳: ۴-۵). هوشع احتمالاً خدمت نبوتی خود را در طول بخش آخر سلطنت پریعام دوم انجام داد (۷۸۳-۷۴۳ ق.م.) و قاعدتاً باید در دوره سلطنت سایر پادشاهان حکومت شمالی نیز خدمت کرده باشد. علت اینکه هوشع از ذکر نام پادشاهان حکومت شمالی اجتناب کرده شاید این باشد که ایشان همگی غاصب بودند و حکومتشان نامشروع بود. اما جالب این است که او از پادشاهان مشروع خاندان داود نام می‌برد، یعنی از عزیا، یوتام، و آحاز که بر یهودا سلطنت کردند. هوشع احتمالاً شاهد تبعید حکومت شمالی به آشور، به سال ۷۲۱ قبل از میلاد بوده است، همانطور که ارمیا شاهد تبعید یهودا به بابل در سال ۵۸۶ قبل از میلاد بود. او احتمالاً تا اوائل حکومت حزقیا نبوت می‌کرد. بدینسان هوشع احتمالاً خدمت نبوتی خود را بین سالهای ۷۵۴ تا ۷۱۴ قبل از میلاد انجام داد. کتاب هوشع شامل مجموعه‌ای از نبوت‌های بسیار است که در مدت زمانی طولانی بیان شده است. این نبوت‌ها به ترتیب زمانی، در حدود چهار دوره تدوین شده‌اند.

نکته ۲- پیامهای اصی کتاب هوشع

اول- تجربه تلخ هوشع به‌گونه‌ای نمایشی رابطه خداوند با اسرائیل را به تصویر می‌کشد.

هوشع نبی با زنی به نام جومر از دواج کرد. اما همسرش نسبت به او بی‌وفا بود و تبدیل شد به “زن روسپیگری”. او به‌دنبال معشوقان دیگر رفت و فرزندان زایید که “فرزندان روسپیگری” خوانده شدند. فرزند اول پسر بود و نامش را “یزرعیل” نهادند. درست همانطور که خدا خاندان پادشاه شرور، یعنی آخاب را در یزرعیل از میان برد (دوم پادشاهان ۹-۱۰)، به همان طور نیز بار دیگر از پادشاهان کنونی اسرائیل که شرور و بی‌وفا بودند انتقام خواهد کشید. فرزند دوم، دختر بود و نامش را گذاشتند “لوروحامه”، یعنی “دیگر رحمت بس است”. خدا به‌سبب بی‌وفایی قوم اسرائیل نسبت به خویش، دیگر ایشان را محبت نخواهد کرد. فرزند سوم، پسر بود و او را “لوعمی” نامیدند، یعنی “قوم من نیست”. به‌خاطر بی‌وفایی اسرائیل نسبت به خدا، او دیگر خدای اسرائیل نخواهد بود و اسرائیل دیگر قوم خدا نخواهد بود. اگر زنی که در ۳: ۱ زن زناکار نامیده شده همان جومر باشد، در آنصورت هوشع بجای اینکه او را کاملاً رد کند، او را باز برای خود خرید و او را به مقام احترام‌آمیز سابق

خود باز گرداند. فصل‌های ۱ و ۳ گرچه همچون رویدادهایی واقعی ارائه شده‌اند، اما معنایی سمبولیک دارند: همانگونه که هوشع، جومر را به زنی گرفت، خداوند نیز "شوهر" اسرائیل شده بود. همانگونه که جومر نسبت به هوشع بی‌وفا شد، اسرائیل نیز نسبت به خداوند بی‌وفا شد. و همانگونه که جومر، اسیر فاسقان خود گردید، اسرائیل نیز به اسارت همان ملت‌هایی در خواهد آمد که به آنها اعتماد و اتکا می‌کرد. همانگونه که هوشع، جومر را همچون همسر محترم خود نزد خود باز گرداند، خداوند نیز بازمانده یا باقیمانده اسرائیل را همچون قوم واقعی خود خواهد پذیرفت. همانگونه که هوشع، جومر را به بهای نقره و جو فدیہ داد، همانگونه نیز عیسی مسیح اسرائیل واقعی را با خون گرانبهای خویش فدیہ خواهد داد.

دوم- گناه جومر و مجازات و تفقد از او نماد گناه اسرائیل و مجازات و تفقد از او است.

از آنجا که هر یک از چهار بخش کتاب هوشع موضوع‌های واحدی را مطرح می‌سازد، یعنی "گناه، مجازات، و تفقد"، می‌توان گفت که کتاب دارای ترتیبی دوره ای یا موازی است، درست مانند رساله اول یوحنا و کتاب مکاشفه در عهدجدید.

سوم- موضوع اصلی موعظه هوشع، محبت پرشفت و مشتاقانه خدا به قوم خویش است.

این موضوع به بهترین وجه در این آیات ذکر شده است. در ۲: ۱۴ می‌فرماید: "با وی سخنانی دلنشین خواهم گفت." و در هوشع ۱۱: ۴ می‌گوید: "با کمند محبت آنها را بسوی خود کشیدم." در ۱۴: ۴ نیز می‌فرماید: "شما را از بت‌پرستی و بی‌ایمانی شفا خواهم داد و محبت من حد و مرزی نخواهد داشت."

نکته ۳- تقسیم‌بندی کتاب هوشع

به کتاب هوشع می‌توان این عنوان را داد: "گناه اسرائیل و مجازات و تفقد از او." این کتاب چهار بخش دوره ای دارد.

"دوره اول." فصل ۱: ۱ تا ۳: ۵. گناه جومر و مجازات و تفقد از او همچون نماد تلقی می‌شود. "گناه" جومر بی‌وفایی او به شوهرش بود (۱: ۲-۹). "مجازات" جومر. او را عریان کردند و هرزگی‌اش در مقابل چشمان فاسقان به نمایش گذاشته شد و ایشان او را ترک کردند (۲: ۲-۱۳). "تفقد" از جومر. شوهرش او را بار دیگر خواهد خرید (۱: ۱۰ تا ۲: ۱؛ ۲: ۱۴-۲۳ و ۳: ۱-۵).

"دوره دوم." فصل ۴: ۱ تا ۶: ۳. تأکید بر کسانی است که مرتکب گناه شده، مجازات خواهند شد و شفا خواهند یافت. "گناه" ملتی منحط، کاهنانی منحط، و عبادتی منحط (۴: ۱-۱۴). "مجازات" هم اسرائیل و هم یهودا سقوط خواهند کرد. روز حساب نزدیک است (۴: ۱۵ تا ۵: ۹). "تفقد" بدون خدا شفایی نیست (۵: ۱۰ تا ۶: ۳).

"دوره سوم." فصل ۶: ۴ تا ۱۱: ۱۱. تأکید بر گناهان اسرائیل و مجازات‌ها و تفقد اسرائیل است. "گناه" اسرائیل با جنایتکاران و قاتلان و ملت‌های بیگانه و عهدشکنان خدا همدست‌اند (۶: ۴ تا ۸: ۱۴). "مجازات" اسرائیل به تبعید خواهد رفت و بی‌فرزند شده، بالکل نابود خواهد شد (۹: ۱ تا ۱۰: ۱۵). "تفقد" محبت خدا باعث خواهد شد که قوم خود را رها نکند (۱۱: ۱-۱۱).

"دوره چهارم." فصل ۱۱: ۱۲ تا ۱۴: ۹. تأکید بر خصوصیت هولناک گناه و وخامت مجازات و فیض تفقد می‌باشد. "گناه" علی‌رغم وفاداری و امانت خدا، اسرائیل بی‌وفا و خائن شده است. علی‌رغم مکاشفه خدا بر یعقوب، اسرائیل در بیت‌ئیل بت می‌پرستد. علی‌رغم اینکه خدا اسرائیل را از مصر بیرون آورد، اسرائیل هنوز از اخلاقیات مصریان تقلید می‌کند (۱۱: ۱ تا ۱۲: ۱۴). "مجازات" مجازات الهی همانند شبنم صبحگاهی سریع خواهد بود. مانند حمله حیوانات درنده به انسان، هولناک خواهد بود. بدون ترحم خواهد بود و انسانها را بدون شفقت به کام مرگ فرو خواهد برد (۱۳: ۱-۱۶). "تفقد" خدا لغزش ایشان را شفا داده، به‌رایگان محبتشان خواهد نمود (۱۴: ۱-۹).

تکلیف برای هفته آینده

- اول.** در طول هفته آینده، کتابهای حبقوق و عوبدیا و حجی را بخوانید. هفته آینده، به معرفی این کتاب‌ها خواهیم پرداخت.
- دوم.** کتابهای دستورعمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار می‌کنم....
- سوم.** هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش دهید.